

خشونت جنسی، رایج‌ترین خشونت بر روی افراد کم‌توان

نعیمه دوستدار - روزنامه نگار

تصورش سخت نیست که فردی به خاطر ناتوانی یا کم‌توان جسمی یا ذهنی، با خشونت و تحقیر روبه‌رو شود. به همین نسبت آزار و خشونت نسبت به زنان و دختران کم‌توان بیشتر هم هست.

خشونت خانگی در عادی‌ترین شرایط پنهان می‌ماند و خشونت نسبت به فرد کم‌توان احتمالاً بیشتر مخفی می‌ماند چون آنها به دلیل شرایط جسمی یا ذهنی این خشونت‌ها را فاش نمی‌کنند یا به عنوان طبیعت زندگی خود می‌پذیرند و گاه تمام عمر با آن زندگی می‌کنند.

خشونت خانگی علیه افراد کم‌توان خشن‌ترین نوع خشونت خانگی است.

تن و جان بی‌دفاع کم‌توانان

نامش عاطفه بود؛ ۰۳ ساله و درگیر شدیدترین نوع ناتوانی جسمی که بدنش را با تکان‌های شدید از کنترل خودش خارج می‌کرد. با تلاش زیاد خودش را به هر روز به کتابخانه کوچک محله می‌رساند تا هم کتابی امانت بگیرد، هم چند کلمه با کتابداری که مثل خواهرش بود درددل کند.

در یکی از همین روزها بود که یک دفعه بغضش ترکید و اعتراف کرد که مادرش هر وقت عاصی و عصبی می‌شود، او را کتک می‌زند. از وقتی که یادش می‌آمد، همین‌طوری کتک می‌خورد؛ با دست و پایی که توان مقابله و حفاظت از خود را نداشت و با تنی که بیشتر از تن‌های عادی، کبود می‌شد. مادرش غیر از او یک بچه ناتوان دیگر هم داشت؛ یک برادر با همان بیماری که حتی به اندازه عاطفه هم امکان تکان خوردن نداشت. می‌گفت مادرش هر وقت زیر سنگینی جسم برادرش از پا می‌افتد، انتقامش را از او می‌گیرد.

در مارس ۲۱۰۲ کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، گزارشی با عنوان "مطالعه موضوعی خشونت علیه زنان و دختران و معلولین" به شورای حقوق بشر این سازمان ارائه داد و آمار این نوع خشونت‌ها را [جشمگیر اعلام کرد](#).

کنوانسیون حقوق معلولان هم این نکته را تأیید می‌کند: "زنان و دختران دارای معلولیت غالباً در معرض خطر بیشتری هم در درون و هم در بیرون خانه هستند و مورد خشونت، آسیب یا سوء استفاده، غفلت یا برخوردهای ناآگاهانه، سوء رفتار یا استثمار واقع می‌شوند."

آنها در امور مختلف روزمره به دیگران وابسته‌اند و چون بسیاری از آنها از نظر اقتصادی هم استقلال ندارند، امکان سوء استفاده و خشونت در موردشان بیشتر می‌شود.

بسیاری از زنان و دخترانی که این نوع خشونت‌ها را تجربه کرده‌اند، به دلیل ناتوانایی جسمی نمی‌توانند از خود دفاع کنند یا از موقعیت‌های خشونت بار فرار کنند. خشونت نسبت به زنان و دختران کم‌توان، گاه از نزدیک‌ترین اعضای خانواده آغاز می‌شود و دایره وسیعی از مراقبان و نزدیکان را در بر می‌گیرد.

محیط خانه، مراکز آموزشی و بازتوانی هیچ کدام کاملاً برای افراد کم‌توان امن نیست و خانواده و نزدیکان گاه به دلیل مشکلات روحی و فشارهای ناشی از مشکلات روزمره افراد کم‌توان، آنها را مورد خشونت قرار می‌دهند. به علت به حاشیه رانده شدن افراد کم‌توان از طریق فرستادن آنها به مؤسسات عمومی، آن هم برای مدت طولانی، آنها در معرض خشونت بیشتری قرار می‌گیرند.

از یاد نباید برد که اگر زنی نوعی ناتوانی یا کم‌توانی داشته باشد خود به خود در معرض خشونت و تبعیض است اما وقتی متعلق به یک اقلیت قومی، مذهبی یا مهاجر باشد، این خشونت تقویت می‌شود.

خشونت جنسی، خشونت مسکوت

مانا قرار بود یک دختر سالم و زیبا باشد اما زردی دوران نوزادی، مغزش را از او گرفت. او همچنان زیبا باقی ماند. دختری با چشم‌های میشی و موهای موج‌دار که در ۳۱ سالگی عادت ماهانه شد. مادر بزرگ هر روز وقتی پدر و مادرش می‌رفتند سر کار، از او نگهداری می‌کرد اما از روزهای خونریزی او متنفر بود. نمی‌فهمید دختری که توان فکر کردن ندارد، چرا باید بالغ شود. مادر مانا می‌دانست که اگر او خانه مادر بزرگش را «نجس» کند، مادر بزرگ تنبیهش می‌کند. اما مانا او روز به روز بزرگ‌تر شد و تن زنانه‌ای پیدا کرد. آن روزها او را می‌فرستادند یک موسسه توان‌بخشی. یک روز دو کوچه بالاتر از خانه، مادر ماشین سرویس مدرسه مانا را دید که جای خلوتی پارک شده.

رفت جلوتر و دید که راننده دخترش را دستمالی می‌کند. مانای ۷۱ ساله اما بی‌تحرک نشسته بود.

رایج‌ترین شکل‌های خشونت خانگی نسبت به افراد کم‌توان خشونت جنسی است. این نوع خشونت از همان سنین کودکی آغاز می‌شود و در سنین بالاتر نیز ادامه می‌یابد. گفته می‌شود که در برخی کشورها کودکان معلول خصوصاً دختران را عقیم می‌کنند.

این در حالی است که بسیاری از آنها از جنسیت و مسائل جنسی اطلاعات ندارند و به سادگی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

خشونت جنسی نسبت به افراد کم‌توان، در تمام جهان رواج دارد. مثلاً پژوهشی که وزارت خانواده آلمان انجام داده نشان می‌دهد که **زنان معلول بیشتر قربانی خشونت جنسی می‌شوند**. آنها دو تا سه برابر زنان عادی قربانی خشونت‌های جنسی هستند.

برای انجام این پژوهش ۱۶۵۱ زن ۶۱ تا ۶۵ ساله که ناتوانی نارسایی جسمی یا روانی داشتند مورد بررسی قرار گرفتند و ۰۲ تا ۴۳ درصد آن‌ها گفتند که در کودکی یا نوجوانی مورد تعرض قرار گرفته‌اند. در این تحقیق، قربانیان خشونت روانی ۸۵ تا ۵۷ درصد اعلام شده‌اند و در رابطه با خشونت جنسی ۱۲ تا ۴۴ درصد زنان معلول گفته‌اند که این خشونت را تجربه کرده‌اند.

به دلیل همین آمارهاست که این گروه از زنان و دختران به حمایت‌های ویژه‌ای نیاز دارند که از آنها در مقابل خشونت‌های جسمی و جنسی محافظت کند. بررسی این پدیده در میان زنان و دختران دارای کم‌توانی نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی این موضوع ندادن آموزش جنسی به آنهاست. کودکان کم‌توان، در دوران نوجوانی و بلوغ چالش‌های مختلفی دارند اما هیچ اطلاعاتی درباره مسائل جنسی به آنها داده نمی‌شود.

قانون فراموش شده

مهم‌ترین سند رسمی که خشونت علیه معلولان را مورد توجه قرار داده، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت است. این کنوانسیون دولت‌ها را موظف کرده است که با خشونت علیه معلولین مبارزه کنند.

بر اساس ماده ۶۱ این کنوانسیون: "دولت‌های عضو، باید تدابیر قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی یا سایر تدابیر مناسب را برای حمایت از افراد دارای معلولیت در درون و بیرون از خانه در برابر تمامی اشکال استثمار، خشونت و سوء استفاده از جمله در مورد جنبه‌های مبتنی بر جنسیت اتخاذ کنند.

جلوگیری از استثمار، خشونت و سوء استفاده از طریق تضمین مواردی از جمله اشکال مناسب کمک‌های حساس جنسیتی و سنی و حمایت از افراد دارای معلولیت و خانواده‌ها و مراقبان آنها از طریق ارائه اطلاعات و آموزش در مورد پرهیز، شناسایی و گزارش موارد از استثمار، خشونت و سوء استفاده از جمله برنامه‌های دولت‌ها باید باشد.

در این کنوانسیون، نظارت بر خدمات ارائه شده به معلولان برای جلوگیری از استثمار، خشونت و سوء استفاده در نظر گرفته شده. همچنین، ارائه خدمات حمایتی برای ارتقای فیزیکی، شناختی، بهبود روانی، توان بخشی و پیوستن مجدد اجتماعی افراد دارای معلولیت که به نوعی قربانی استثمار، خشونت یا سوء استفاده شده‌اند، و ایجاد قوانین و سیاست‌های متمرکز بر زنان و کودکان برای تضمین جلوگیری از خشونت و سوء استفاده برای همه دولت‌های عضو پیش‌بینی شده است.

علاوه بر این، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، اعلامیه جهانی حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای تحقیرآمیز غیرانسانی و ظالمانه، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان، از جمله اسنادی هستند که به حقوق معلولان و مبارزه با خشونت علیه آنان اشاره کرده‌اند.

اما در ایران، قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۳۸۳۱، مهم‌ترین قانون درباره معلولان است که البته این قانون هیچ اشاره‌ای به خشونت علیه معلولان نکرده است.

همچنین، با اینکه دولت ایران کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت را در سال ۷۸۳۱ امضا کرده و متعهد شده که قسمت‌هایی از آن را که مغایر با قوانین داخلی نباشد اجرا کند، تاکنون چه در قانون‌گذاری و چه در عمل، توجهی به این موضوع نداشته است.

عدم نظارت کافی بر خانواده‌های افراد کم‌توان و مراکز نگهداری آنها و همچنین فقدان آموزش و حمایت لازم سرپرستان این افراد از دلایل خشونت خانگی علیه افراد کم‌توان در ایران است.

در شرایطی که جامعه ایران همچنان افراد کم‌توان را به شکل سیستماتیک مورد خشونت و تبعیض قرار می‌دهد و تلقی عمومی از آنها این است که آنها افراد وابسته، منفعل و مصرف‌کننده‌ای هستند که حقوق اجتماعی خاصی ندارند، عموم افراد کم‌توان فارغ از جنسیت‌شان

مورد خشونت‌اند اما خشونت نسبت به زنان کم‌توان، از همان الگویی پیروی می‌کند که روابط زن و مرد در ایران تابع آن است: تبعیض گسترده‌تر، سهم کمتر و خشونت بیشتر.